

در باره‌ی کمون پاریس

در تاریخ، اغلب انقلاب در پی جنگ آمده است. در دوره‌های عادی، توده‌های کارگر روزانه به کارهای مشقت بار تن داده، مطیعانه و برده‌وار کار کرده و در برابر نیروی پُر قدرتِ عادت سر فرود می‌آورند. نه ناظران، نه پلیس و نه زندانبانان و نه حتی جلادان، هرگز قادر نخواهند بود توده‌ها را به خوبی صِرف «عادت» که وفادارانه در خدمت سرمایه داری است، به زانو در بیاورند. جنگ که توده‌ها را شکنجه و نابود می‌کند، برای حاکمان نیز خطرناک است. دقیقاً به این دلیل که با یک ضربه، مردمی را که به شرایط روزمرگی عادت کرده‌اند را تکان داده، همچون صاعقه‌ای عقب‌افتاده‌ترین و تاریک‌ترین عناصر را بیدار کرده و آنان را مجبور به نگاه کردن به خود و اطرافشان می‌کند.

جنگ و انقلاب

حاکمان در حالی که میلیون‌ها تن از زحمتکشان را به آتش می‌افکنند، مجبورند جای عادت را با وعده و دروغ پُر کنند. بورژوازی جنگ خود را با ویژگی‌هایی رنگ می‌زند که برای قلب‌های بخشنده توده‌ها عزیز است: جنگ برای «آزادی»، برای «عدالت» و برای «یک زندگی بهتر»! و آنان را تا

اعماق وجود برمی انگیزد. اما جنگ ناگزیر با فریفتن آنان پایان می‌گیرد: جنگ برای آنان هیچ چیز به جز زخم و زنجیرهای نو به ارمغان نمی‌آورد. به همین دلیل، شرایط پرتنش که در نتیجه‌ی جنگ برای توده‌های فریب خورده ایجاد می‌شود، به انفجاری علیه حاکمان تبدیل می‌گردد و انقلاب از دل جنگ بیرون می‌آید.

این رویداد ۱۲ سال پیش در جنگ بین روسیه و ژاپن رخ داد: جنگ بلافاصله نارضایتی مردم را تحریک کرده و به انقلاب ۱۹۰۵ منجر شد. همین رویداد ۴۰ سال پیش در فرانسه نیز پیش آمد: جنگ بین فرانسه و روسیه در سال ۷۱-۱۸۷۰ منجر به خیزش کارگران و ایجاد کمون پاریس گردید.

کمون

حکومت بورژوازی فرانسه، کارگران پاریس را به منظور دفاع از پایتخت در برابر ارتش آلمان، در قالب گارد ملی مسلح کرد. اما بورژوازی فرانسه از پروتکل‌های خود بیش از لشکر «هونزولرن» هراس داشت. پس از اینکه پاریس تسلیم شد، حکومت جمهوریخواه به دنبال خلع سلاح کارگران افتاد. اما جنگ نقداً روح طغیان را در کارگران بیدار کرده بود. آن‌ها نمی‌خواستند به نیمکت‌های [محل کار] خود بازگردند و همان کارگرانی باشند که پیش از جنگ بودند. پروتکل‌های پاریس حاضر به از دست دادن سلاح‌های خود نبودند. درگیری بین کارگران مسلح و سربازان حکومتی رخ داد. این رویداد در تاریخ ۱۸ مارس ۱۸۷۱ اتفاق افتاد. کارگران پیروز شدند؛ پاریس تحت کنترل آن‌ها در آمد و روز ۲۸ مارس، حکومت کارگری را تحت عنوان «کمون» در پایتخت، پاریس، به پا کردند. کمون دوام زیادی نیاورد. روز ۲۸ مه، آخرین

مدافعان «کمون» پس از مقاومتی قهرمانانه در برابر حمله‌ی همدستان بورژوازی به زیر کشیده شدند. در پی آن، هفته‌ها و ماه‌های خونین انتقامجویی از شرکت کنندگان در انقلاب پرولتری فرارسید. اما «کمون»، علیرغم حیات کوتاه‌اش، هنوز به مثابه‌ی بزرگ‌ترین رویداد تاریخ مبارزات پرولتاریا باقی مانده است. برای اولین بار، پرولتاریای جهانی بر مبنای تجربه‌ی کارگران پاریس توانست ببیند که انقلاب پرولتری چیست و چه اهداف و مسیرهایی را دنبال می‌کند.

دستاوردهای «کمون»

«کمون» کار خود را با تأیید تمامی اتباع خارجی که در حکومت کارگری انتخاب شده بودند، آغاز کرد و اعلام داشت که: «شعار کمون، شعار جمهوری جهانی است.»

«کمون»، مذهب را از دولت و مدارس برچید، مجازات اعدام را لغو کرد، «ستون واندوم» (یادبود شوونیزم) را به زیر کشید، تمامی وظایف و مشاغل را به خادمین حقیقی مردم سپرده و حقوق آنان را در سطح دستمزد کارگران قرار داد.

«کمون» کارخانه‌ها و کارگاه‌هایی را که سرمایه‌داران از روی ترس بسته بودند، سرشماری کرد تا بتواند بر آن مبنا تولید را اجتماعی کند. این اولین قدم سوسیالیستی در جهت سازماندهی زندگی اقتصادی بود.

«کمون» به تمامی طرح‌های پیشنهادی خود دست نیافت و درهم شکسته شد. بورژوازی فرانسه با همکاری بیسمارک، «دشمن ملی» خود که بلافاصله به متحد طبقاتی‌اش تبدیل شد، قیام دشمن حقیقی خود، یعنی طبقه‌ی کارگر را در خون غرق نمود. برنامه‌ها و وظایف «کمون» به ثمر نرسید. اما در عوض به

قلب بهترین فرزندان پرولتاریا در کل جهان رخنه کرده و به پیمان های انقلابی مبارزه ما تبدیل شدند.

و امروز ۱۸ مارس ۱۹۱۷، تصویر «کمون» بیش از هر زمان دیگری در برابر ما روشن است؛ زیرا پس از گذشت مدتی طولانی، ما بار دیگر وارد دوره‌ای از نبردهای انقلابی می گردیم.

جنگ جهانی

جنگ جهانی ده‌ها میلیون تن از زحمتکشان را از شرایط روزمره ای که در آن کار کرده و می پوسیدند، بیرون کشید. تا به امروز این تنها در اروپا رخ داده است، فردا ما همین رویداد را در آمریکا خواهیم دید. هرگز پیش از این به توده‌های کارگر چنین وعده‌هایی داده نشده بود؛ هرگز پیش از این، بر آسمان آن‌ها چنین رنگین کماتی نقش نبسته بود. در هیچ زمانی به اندازه‌ی دوران این جنگ به آن‌ها امیدواری داده نشده بود. هرگز پیش از این طبقات مالک به این اندازه جسارت ریختن خون مردم را تحت عنوان دروغین «دفاع از مام وطن» نداشتند. و هرگز پیش از این، زحمتکشان به این اندازه فریب نخورده، مورد خیانت قرار نگرفته و چنین ناجوانمردانه کشته نشده بودند که امروز می‌شوند.

در سنگرهای لبریز از خون و گِل و لای، در شهرها و روستاهای قحطی زده، میلیون‌ها قلب با خشم و کینه و ناامیدی می‌تپد. و این احساسات همراه با عقاید سوسیالیستی، به شور و شوق انقلابی تبدیل می‌گردد. فردا این شعله‌ها به شکل قیام‌های مهیب توده‌های کارگر در خواهد آمد.

پرولتاریای روسیه نقداً وارد مسیر بزرگ انقلاب شده است و در نتیجه‌ی آن، پایه‌های شرم‌آورترین حاکمیت‌های استبدادی در حال فرو ریختن و نابود شدن

است. با این حال انقلاب در روسیه صرفاً پیشگام قیام های پرولتری در سراسر اروپا و کل جهان است.

ما سوسیالیست‌ها به توده های کارگر شورشی خواهیم گفت: «کمون را به خاطر بسپارید!» بورژوازی شما را در برابر دشمن خارجی مسلح کرده است. از تحویل اسلحه خود به بورژوازی خودداری کنید، همان طور که کارگران پاریس در سال ۱۸۷۱ کردند! به درخواست کارل لیبکنشت احترام بگذارید و این سلاح‌ها را به سوی دشمن حقیقی خود یعنی سرمایه داری بگیرید! ماشین دولتی را از دست آن‌ها بگیرید! آن را از ابزار خشونت بورژوازی به دستگاه خودگردان پرولتری تبدیل کنید. امروز شما بی نهایت پُر قدرت تر از پیشینیان خود در عصر «کمون» هستید. تمام انگل‌ها را از تخت پایین بکشید. زمین، معادن و کارخانه‌ها را بگیرید و خودتان به کار بیاندازید. برادری در کار و تساوی در بهره برداری از ثمرات کار!

شعار «کمون» شعار جمهوری جهانی کارگری است!

لئون تروتسکی
۱۹۱۷

مترجم: سارا قاضی

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۸